

The Analysis of Archaeological Evidence from the Fourth Floor (C) of Karafto Cave in Northwest of Iran

Seyyed Mahmoud Miraskandari¹, Ahmad Chaychi Amirkhiz^{1*}

1. Assistant Professor, Cultural Heritage and Tourism Research Center (ICAR), Tehran, Iran

Article Info

Original Article

Received: 2018/12/13;

Accepted: 2019/02/20;

Published Online 2019/03/30

 10.30699/arhar.40.1.1

Use your device to scan
and read the article online



Corresponding Author

Ahmad Chaychi Amirkhiz

Assistant Professor, Cultural
Heritage and Tourism Research
Center (ICAR), Tehran, Iran

Email: a.chaychi@richt.ir

ABSTRACT

Karaftu ancient castle and cave are located in the northwest of Iran and in a mountainous region between Saqhez and Takab in Kurdistan province, Iran. For the first time, an English physician and surgeon in the early nineteenth century, John Cormick, visited the Cave. The famous English explorer Sir Robert Ker Porter also visited the cave using Cormick's notes and made a map and a copy of the Greek inscription. After him, various scholars of various nationalities, translated the Greek inscription, or reviewed the cave, and provided photographs and reports with details, but archaeological excavations were postponed in this place for nearly two centuries. In the summer of 1997, the first archaeological team, in collaboration with the Cultural Heritage Bureau of the Kurdistan province, excavated this cave, and then the exploration and organizing operations continued in three seasons. The study of site and the adjoining areas indicated the ritual use, and temporary residence of humans from prehistoric times to the present. This paper aimed to analyze the archaeological evidence obtained in the field study performed in 1997 from the C floor and especially the well in one of the rooms. The findings point to the ritual use of this well.

Keywords: North West Iran, Kurdistan, Karafto cave, Archeology, Mithraism

Copyright © 2019. This open-access journal is published under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License which permits Share (copy and redistribute the material in any medium or format) and Adapt (remix, transform, and build upon the material) under the Attribution-NonCommercial terms.

How to Cite This Article:

Miraskandari S M, Chaychi Amirkhiz A. The Analysis of Archaeological Evidence from the Fourth Floor (C) of Karafto Cave in Northwest of Iran. Athar. 2019; 40 (1) :1-16

مقاله پژوهشی

تحلیل آثار به‌دست‌آمده از کاوش طبقه C غار کرفتو در شمال غرب ایران

سید محمود میراسکندری^۱، احمد چایچی امیرخیز^{۱*}^۱. استادیار، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، تهران، ایران

اطلاعات مقاله	خلاصه
دریافت: ۱۳۹۷/۰۹/۲۲ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۰۱ انتشار آنلاین: ۱۳۹۸/۰۱/۱۰	قلعه و غار باستانی کرفتو در شمال غرب ایران و در منطقه‌ای کوهستانی میان سقز و تکاب در استان کردستان قرار گرفته است. برای نخستین بار، در اوایل قرن نوزدهم میلادی، پزشک و جراحی انگلیسی به نام جان کرمیک از همراهان شاهزاده عباس‌میرزا در شهر تبریز از این مجموعه بازدید کرد. جهانگرد معروف انگلیسی، سر رابرت کرپورتر نیز با استفاده از یادداشت‌های کرمیک از این غار بازدید و نقشه و رونوشتی از کتیبه یونانی آن تهیه کرد. پس از او پژوهشگران متعددی با ملیت‌های گوناگون ترجمه کتیبه یونانی را بازنگری یا آثار این غار را بررسی کردند. همچنین عکس، گزارش و نقشه‌هایی همراه با جزئیات دقیق تری تهیه کردند؛ با این حال حفاری باستان‌شناسی در این مکان نزدیک به دو قرن به تعویق افتاد. در تابستان سال ۱۳۷۶، نخستین هیئت باستان‌شناسی از پژوهشکده باستان‌شناسی با همکاری اداره کل میراث فرهنگی استان کردستان در این مجموعه به گمانه‌زنی و سامان‌دهی پرداخت و پس از آن عملیات کاوش و ساماندهی در سه فصل ادامه یافت. آثار به‌دست‌آمده از این مجموعه و مناطق هم‌جوار نشان‌دهنده استفاده آیینی، سکونت موقت و متناوب انسان از پیش از تاریخ تا عصر حاضر است. این مقاله که حاصل کاوش و عملیات میدانی سال ۱۳۷۶ است به تحلیل شواهد باستان‌شناختی به‌دست‌آمده از طبقه C و به‌ویژه چاه موجود در یکی از اتاق‌های مجموعه دست‌کند پرداخته است. یافته‌ها بر استفاده آیینی انسان از این چاه دلالت دارد.
نویسنده مسئول: احمد چایچی امیرخیز استادیار، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، تهران، ایران	کلیدواژه‌ها: شمال غرب ایران، کردستان، غار کرفتو، باستان‌شناسی، آیین مهری
پست الکترونیک: a.chaychi@richt.ir	

حق کپی رایت انتشار: این نشریه ی دارای دسترسی باز، تحت قوانین گواهی‌نامه بین‌المللی Creative Commons Attribution 4.0 International License منتشر می‌شود که اجازه اشتراک (تکثیر و بازآرایی محتوا به هر شکل) و انطباق (باز ترکیب، تغییر شکل و بازسازی بر اساس محتوا) را می‌دهد.

مقدمه

گوناگون، محل تجمع انسان‌ها بوده است. از دوراهی سقز به تکاب حدود ۳۶ کیلومتر فاصله است که این مسیر از روستاهای کانی‌سی، قادرآباد، قلعه‌گاه، علی‌مرده، کانی‌سرخ، قلعه‌کهنه، گور باباعلی، بایزیدآباد و یوزباش گندی می‌گذرد و پس از آن به قلعه و غار کرفتو می‌رسد. این غار از صخره‌ای به طول ۱۵۰۰ متر و پهنای ۷۰۰ متر تشکیل شده است.

پیشینه پژوهش

در سال ۱۸۱۹ میلادی، جان کرمیک^۱ جراح و پزشک انگلیسی آثار غار کرفتو را کشف کرد. او در خدمت استاد عباس‌میرزا در دوره جنگ‌های ایران و روس در شهر تبریز خدمت می‌کرد (Bernard, 1980: 301-303). در همین سال،

غار و قلعه کرفتو در کنار ساروق‌رود و در مسیر راه‌های سقز و دیواندره به تکاب و در ۲۰ کیلومتری آن قرار گرفته است. دسترسی این منطقه به تخت سلیمان به دلیل فاصله نزدیک و وجود دره‌های بازتر و وسیع‌تر در مقایسه با محوطه زیویه بیشتر است. منطقه زربنه اوباتو که غار کرفتو در آن واقع است و به دلیل زمستان‌های بسیار سرد شهرت دارد، شامل صخره‌های بلند و عظیم از سنگ‌های آهکی است. رودخانه کرفتو در سمت غرب غار جریان دارد و از کناره روستای میرسعید می‌گذرد. وجود سازندهای آهکی و آب‌های زیرزمینی در منطقه، صخره‌ها و پدیده‌های زمین‌شناختی از سنگ‌های آهک پدید آورده است که مجموعه‌ای کلان و پیچ در پیچ از تالارها، راهروها و اتاق‌های طبیعی و دست‌کند را در برمی‌گیرد و از روزگاران دور به دلایل

^۱. John Cormick

این غار به‌عنوان مدرکی از سدهٔ چهارم پیش از میلاد مسیح در مرز میان ماد با اتروپاتن مدنظر قرار گرفت؛ هرچند به‌واسطهٔ وجود کتیبهٔ یونانی، دربارهٔ عملکرد آن همواره میان پژوهشگران بحث و نزاع وجود دارد. پس از او نیز راولینسون^۳ در سال ۱۸۳۸ میلادی از این غار و کتیبهٔ یونانی آن بازدید و قالبی از آن تهیه کرد (Rawlinson, 1839, 1840a, 1840b).

سر رابرت کرپورتر^۲ به‌کمک یادداشت‌های کرمیک از این غار بازدید و گزارش نسبتاً کاملی از آن تهیه کرد. گزارش کرپورتر به بررسی دالان‌ها، دهلیزها، فضاهای داخلی غار و فضاهای دست‌کند به همراهی شناسایی یک قبرستان مربوط بود. وی برای نخستین بار نقشه‌ای از طبقهٔ زیرین و زیرین غار ارائه داد و از کتیبهٔ یونانی سردر (شکل ۱ و ۲) و ورودی جنوبی اتاق اصلی طبقهٔ C گرت‌برداری کرد (K. Porter, 1822)؛ بدین‌ترتیب از همان ابتدا



شکل ۱. کتیبه و پلان غار از رابرت کرپورتر 1822, K. Porter

ΗΡΑΚΛΗΣΙΝ ΑΔΕΚΑΤΟΙΚΕΙ
ΜΗΘΕ ΝΕΙΣΕΛΟΟΙΚΑΚΟΝ

شکل ۲. کتیبهٔ غار برداشت از هیئت آلمانی و اشتاین 1978, Von Gall H.

ΗΡΑΚΛΗΣΙΝ ΑΔΕΚΑΤΟΙΚΕ
ΜΗΘΕ ΝΕΙΣΕΛΟΟΙΚΑΚΟΝ

شکل ۳. برداشت کتیبه توسط هیئت ایرانی، ۱۳۷۶

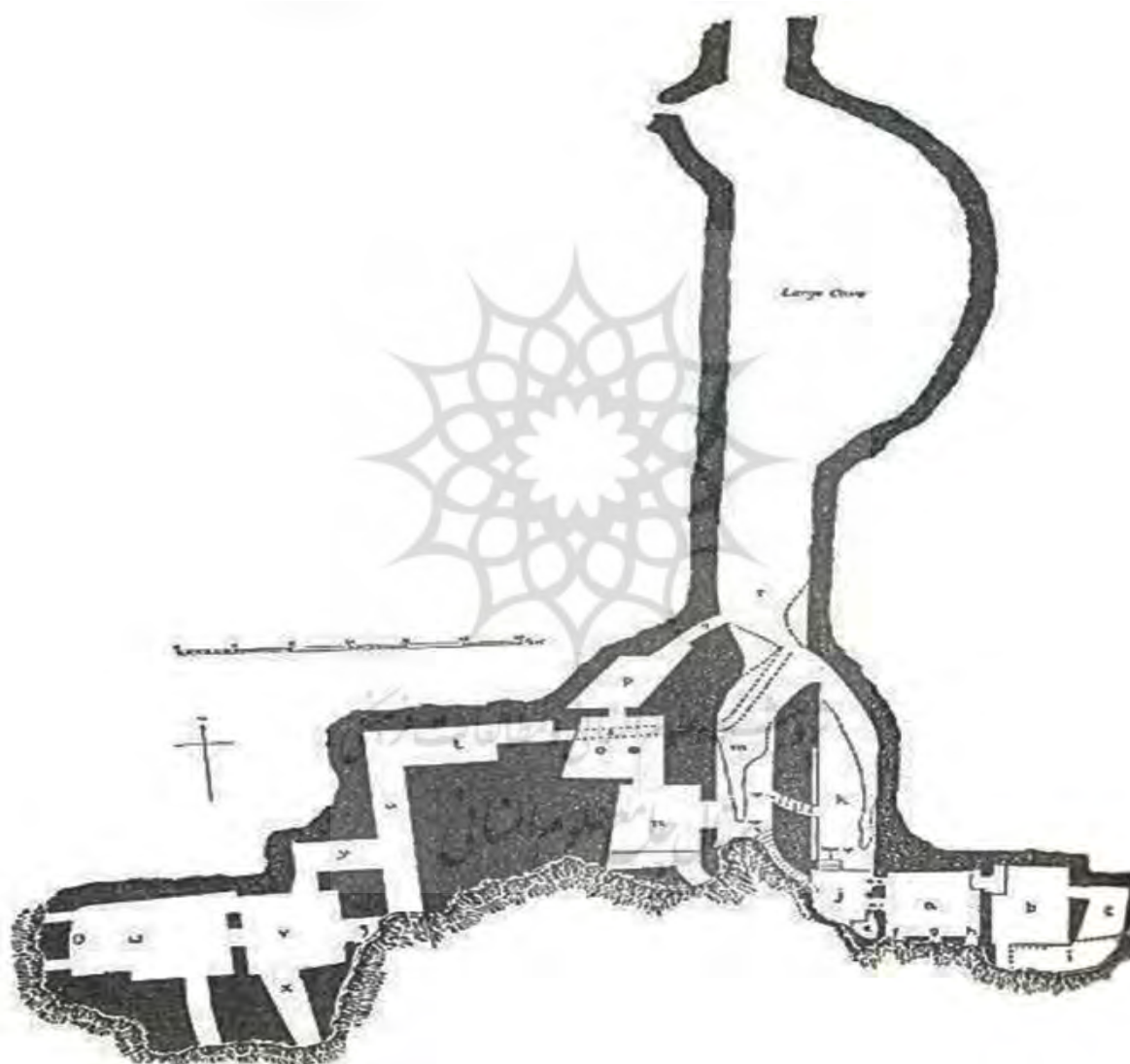
مفصلی (شکل ۴) با تفکیک فضاهای آن به حروف انگلیسی همراه با عملکرد آنها ارائه کرد (Stein, 1940). در سال ۱۹۷۵، Von Gall فن‌گال و Naumann و نومان از هیئت باستان‌شناسی آلمان در ایران که در پروژهٔ تخت سلیمان در نزدیکی تکاب مشغول به کار بودند، از غار بازدید و به

زبان‌شناسان ترجمه‌های متعددی از این کتیبهٔ یونانی ارائه کرده‌اند (Weinreich, 1915, Cumont, 1899, Franz, 1853, Gutschmid, 1892). حدود یک‌صد سال بعد، سر اورل اشتاین که در لرستان و کردستان به بررسی آثار باستان‌شناسی می‌پرداخت، از این غار بازدید و نقشهٔ نسبتاً

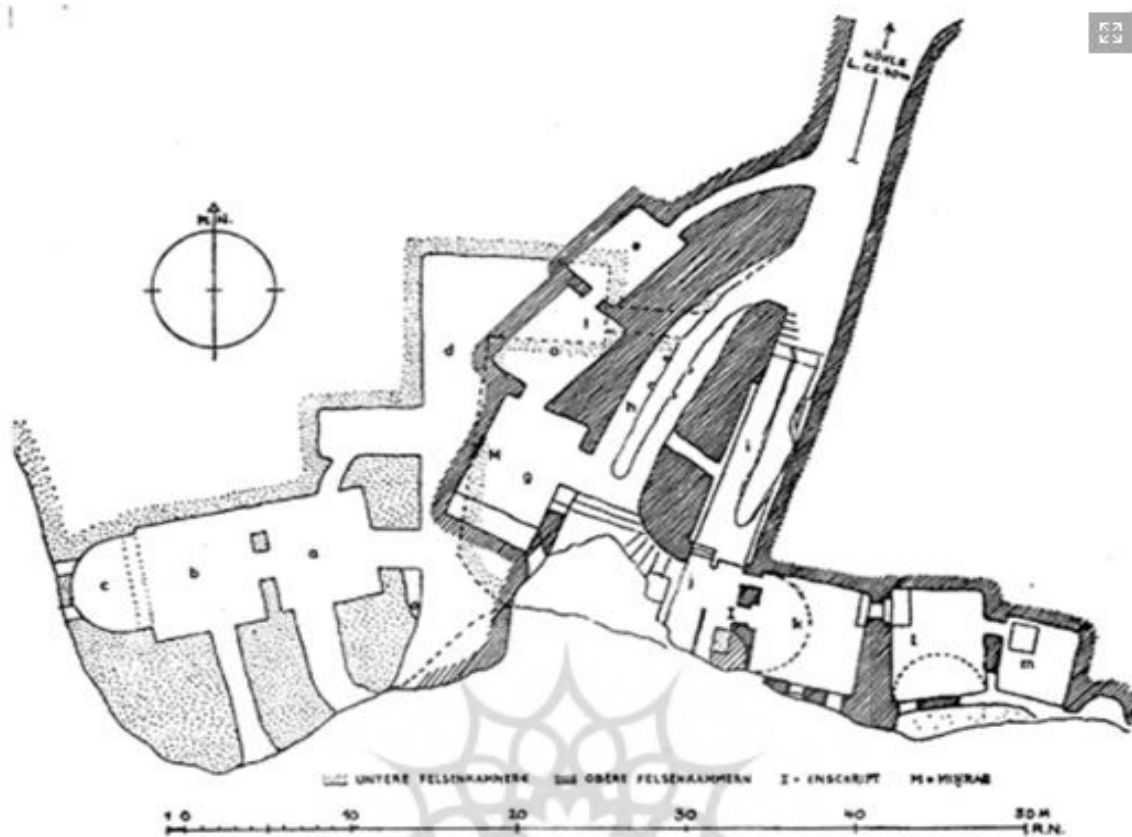
³ Rawlinson

² Sir Robert Ker Porter

تصحیح جزئیات نقشه اشتاین پرداختند (شکل ۵) این نقشه را همراه با مجموعه کاملی از عکس‌ها (شکل ۶ و ۷)، به‌ویژه نقوش تزئینی چاپ کردند (Von Gall, 1978, 1990).



شکل ۴. پلان غار کرفتو (اشتاین) Stein, A. M. 1940



شکل ۵. پلان تکمیل شده غار توسط هیئت آلمانی (Von Gall H. 1978,2010)



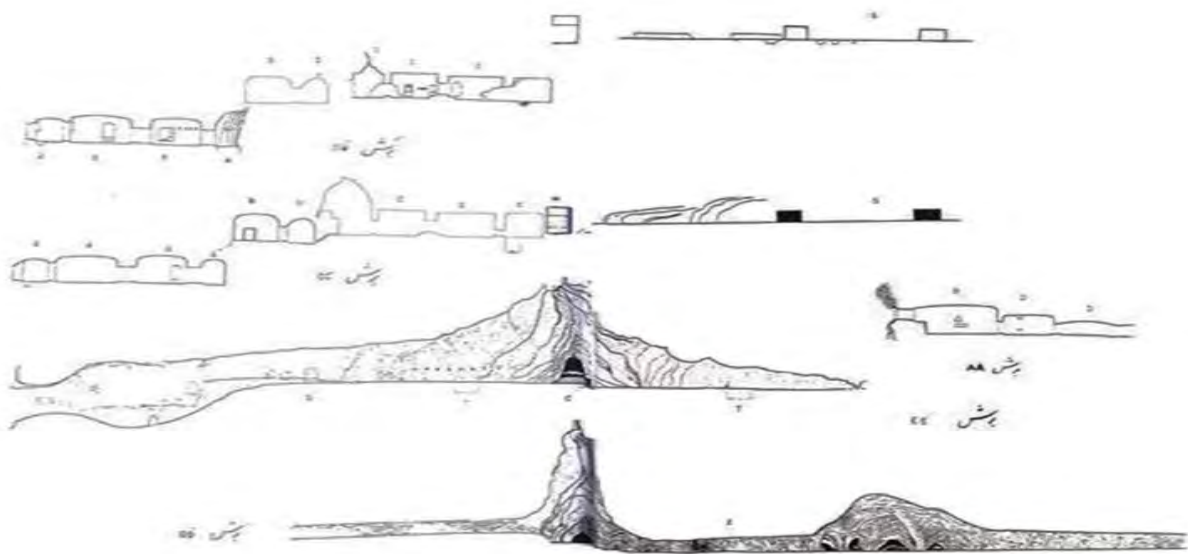
شکل ۶. تزئینات نورگیر اتاق اصلی در طبقه چهارم (هیئت آلمانی) (Von Gall H. 1978,2010)



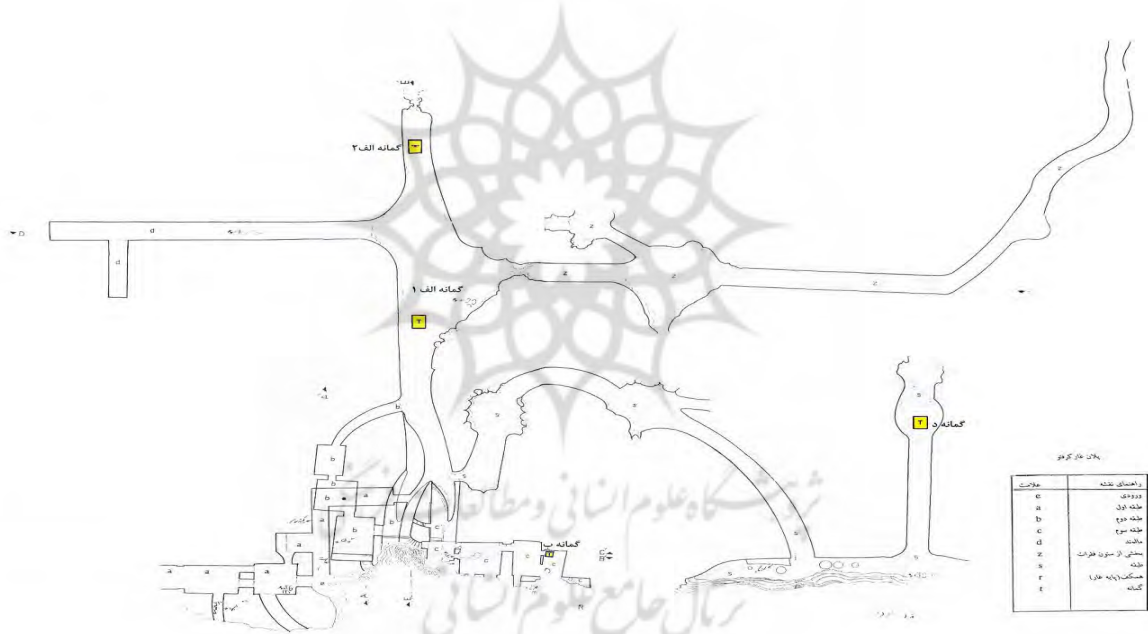
شکل ۷. نمای غربی اتاق اصلی طبقه چهارم پشت کتیبه (هیئت آلمانی) Von Gall H. 1978

میکاییل در شمال کرفتو و قبرستان کول تاریکه روستای یوزباش کندی نیز حفاری‌هایی صورت گرفت و خاک‌برداری کامل غار و سامان‌دهی و آماده‌سازی غار برای بازدید گردشگران انجام شد. هژبری به‌اشتباه تصور می‌کند که اولین فصل حفاری در غار را سر ارول اشتاین، به مدت سه روز انجام داده است. همچنین تصور کرده که در فصل سال ۱۳۸۰، کاوشی در طبقه چهارم غار صورت گرفته؛ در صورتی که خاک‌برداری از طبقه چهارم یا C در سال ۱۳۷۶ به‌طور کامل پایان گرفته است (هژبری، ۱۳۹۷، ۳۳۵).

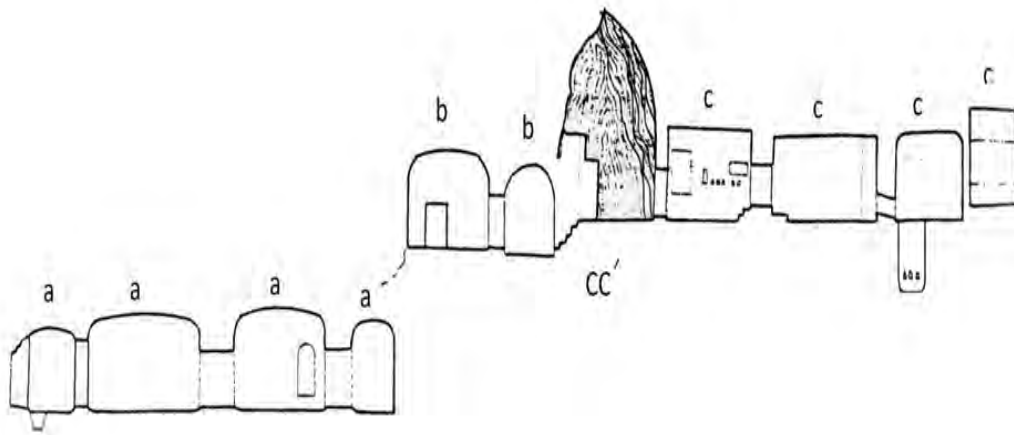
در سال ۱۳۷۶، برای نخستین بار یک هیئت ایرانی با همکاری اداره کل میراث فرهنگی استان کردستان به سامان‌دهی و گمانه‌زنی در غار پرداخت. آنها با استفاده از ژنراتور برق، فضاهای داخلی غار را روشن و به تکمیل و تصحیح نقشه‌های پیشین پرداختند. همچنین صدها متر از کانال‌ها، حجاری‌ها، دالان‌ها، دهلیزها و فضاهای مختلف و برخی از آثار آن را شناسایی کردند (شکل ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۱) (میراسکندری، ۱۳۷۶). این اقدامات در سال‌های بعد، یعنی ۱۳۷۹، ۱۳۸۰ و ۱۳۸۲ پیگیری شد. علاوه بر کاوش در این محوطه، در غار کانی



شکل ۸. نما و برش طبقات ترسیم شده توسط هیئت ایرانی، ۱۳۷۶



شکل ۹. پلان غار کرفتو
برداشت هیئت ایرانی، ۱۳۷۶



شکل ۱۰. برش CC از محل چاه، طاقچه‌ها و طبقات تحتانی



آخرین نقشه تهیه شده توسط هیئت آلمانی و موقعیت چاه اتاق سوم در آن

شکل ۱۱. موقعیت چاه (گمانه ب) روی نقشه هیئت آلمانی

آثار غار کرفتو

آثار غار از دو بخش تشکیل شده است:

بریدگی‌های بدنه جنوبی غار نشان‌دهنده وجود زمین‌لرزه‌هایی است که به فضاهای دست‌کند، به‌ویژه نورگیرها آسیب زده است. همچنین ریزش آوار، شیب پلکانی و پرتگاه‌هایی ایجاد کرده است. برای راه‌یابی غار از ورودی بخش جنوبی باید از پلکان‌هایی با ارتفاع ۱۷ متر عبور کرد و به فضاهای دست‌کند داخل شد. جز ورودی غار که به دالان‌ها و دهلیزهای متعدد ختم می‌شود، سه طبقه معماری دست‌کند با فضاها و اتاق‌ها در دو طرف ورودی دیده می‌شود. از سمت ورودی طبقات دست‌کند طبقه a و b تقریباً روی هم و در سمت چپ قرار گرفته‌اند. طبقه c نیز که دسترسی به آن پیش‌تر از پله‌های فروریخته انجام می‌شد،

۱. بخش طبیعی که به مرور زمان در اثر پدیده‌های زمین‌شناختی ایجاد شده است و راهروها، دهلیزها، مجاری آب و سنگ‌های آهکی را شامل می‌شود. در برخی نقاط این غار آثار فرسایش ناشی از فروافتادن قطرات آب ایجاد شده است و در انتهای غربی دهانه غار، ستون بزرگی از سنگ‌های آهکی دیده می‌شود. جلوی دهانه، ریزش لایه‌ها در سمت شیب طبقاتی بر دامنه جنوبی، دره فرعی ناهموار پله‌مانندی را ایجاد کرده است.

۲. بخش مصنوعی یا دست‌کند که به تناوب از گذشته‌های دور مورد استفاده یا سکونت انسان قرار گرفته است. آثار

(شکل ۱۲) در سمت راست ورودی قرار دارد. سطح آن نیز به صورت نیم‌طبقه‌ای بالاتر از طبقه b و در شرق آن است



شکل ۱۲. موقعیت چاه کاوش شده در طبقه c

اتاق‌های طبقه a (طبقه دوم)

با توجه به حفره‌های مخروطی‌شکل که در ورودی دیده می‌شود، ممکن است نوعی اتاقک وجود داشته باشد که متأثر از عوامل محیطی و زیستی مانند ریشه گیاهان، تخریب شده است. در ارتفاع ۲/۲۰ متری نقش سه حیوان وجود دارد. هفت حفره نیز در ردیف منظم افقی قرار دارند. به‌طور کلی وجود حفره‌ها، طاقچه‌ها و مال‌بندها از ویژگی‌های معماری این غار است. ورودی در قسمت چپ به سه اتاق راه می‌یابد که هیچ ظرافتی ندارند و ساخت آنها را به دوره اسلامی نسبت داده‌اند. اولین اتاق مربع شکل است که در بخش جنوبی آن راهرویی طولانی به ابعاد $۱/۹۰ \times ۲/۷۰ \times ۴/۹۰$ متر دیده می‌شود که به‌عنوان نورگیر و برای تهویه هوا کاربرد داشته است. درگاهی نیز در بخش شمالی این اتاق را با اتاق منفرد دیگری که احتمالاً کاربری انبار داشته است، مرتبط می‌کند. پهنای درگاهی مزبور $۱/۷۰$ متر است. در بخش غربی دو درگاه دیگر این اتاق را با

اتاق‌های مجاور مرتبط می‌کنند. اتاق بخش اخیر با قاب‌بندی با شیوه زیبایی در دل سنگ کنده شده است. در داخل دیوارهای این اتاق حفره‌هایی ایجاد شده که آثار سیاهی یا ترک ناشی از عوامل طبیعی مانند زمین‌لرزه در آن دیده نمی‌شود. در کف اتاق نیز حفره‌هایی مدور دیده می‌شود که برخی از آنها را انسان‌ها در طول زمان ایجاد کرده‌اند. اتاق دوم در سمت دیوار غربی از اتاق اول بزرگ‌تر است و روشنایی بیشتری دارد. همچنین راهرویی در این اتاق طولانی کنده شده است که در آن نقوش به شیوه کنده‌کاری شامل نقوش هندسی، لوزی، دایره و نقوش حیوانی اسب و گوزن و نقوش ترکیبی انسان و حیوان و سوارکار دیده می‌شود. نقوش از دامنه سبک‌های متغیر طبیعت‌گرایانه و آبستره تشکیل شده‌اند. اتاق سوم نیز نیم‌دایره است و دو دریچه تهویه و نورگیر در قسمت غربی دارد. در کف اتاق نیز حفره مدوری کنده شده است.

فضاهای طبقه b (طبقه سوم)

به سادگی قابل مشاهده است. اتاق سوم از این طبقه تزئینات بیشتری دارد. در قسمت جنوبی و جنوب غربی نیز سکویی مرتفع دیده می شود. روی دیوار غربی تزئینات حجاری شده به صورت طاقچه و شبیه معماری کلیل در معماری صدر اسلام دیده می شود (شکل ۱۳)؛ به گونه ای که آن را محراب دانسته اند. همچنین از ورودی که در دیوار شرقی وجود دارد مسیری به طبقه C ختم می شود.

از مجاورت اتاق اول این طبقه و دست راست آن راهی وجود دارد که به بیرون غار و از طرف شمال به بخش های طبیعی و طبقه بالاتر منتهی می شود. برای ورود به فضای طبقه b باید از درگاهی کوچک و راهرویی تاریک عبور کرد. جهت اتاق ها شمال شرقی-جنوب غربی است. در دل دیوار اتاق اول حفره هایی شبیه حفره های طبقه پیشین دیده می شود. مانند این حفره ها در اتاق دوم نیز وجود دارد. در این اتاق، بقایای ستون سنگی که بخش میانی آن از بین رفته در سقف و کف



شکل ۱۳. مهرباب طبقه b

بخش شمالی با دو پله به سمت پایین و به سالی بزرگ یا سالن شمالی ختم می شود که تزئینات حجاری شده داخل دیوار دارد و به صورت قرینه است. در قسمت شرق پاگرد دو ورودی وجود دارد. در بالای سردر ورودی، کتیبه ای یونانی به چشم می خورد. در قسمت فوقانی ورودی شمالی نیز تزئینات کنده شده با نقوش حیوانی، دایره و پنجه دست انسان دیده می شود. گاهنگاری این نقوش بسیار مشکل است و نمی توان آنها را با بقیه تزئینات و کتیبه هم دوره دانست. پس از عبور از سردر کتیبه دار، اولین اتاق از نظر حجاری و پاک تراشی زیباترین اتاق غار است. حجاری کف

فضاهای طبقه C (طبقه چهارم)

از ورودی اتاق سوم طبقه b مسیری وجود دارد که پس از آن و بالآمدن از دو پله کنده شده، همچنین عبور از پاگرد و سپس پنج پله به شکلی مارپیچ که به سختی آسیب دیده اند، دسترسی به این طبقه امکان پذیر می شود. عبور از این پله ها بسیار خطرناک است و هر لحظه ممکن است رهگذران به پرتگاه سقوط کنند. شاید راه اصلی دیگری نیز وجود داشته که بر اثر زمین لرزه از بین رفته است. در ابتدای ورود به این طبقه، یک پاگرد فضا را به دو قسمت شمال و شرق تقسیم می کند.

روبه‌روی ورودی ایجاد شد. همچنین آثاری از کف سخت‌شده و حفره‌های ایجادشده در اثر میخ‌های چوبی و قطعات سنگ‌آهک نمایان شد. در گمانهٔ پیش رو که در نیمهٔ جنوبی حفر شد، قطعات سفال‌های ساده و لعاب‌دار و قطعات متعددی از استخوان حیوانات و بقایای زغال به دست آمد و در مجموع یازده لایهٔ مختلف شناسایی شد. بقایای چوب و قطعات سفال‌های چرخ‌ساز دورهٔ اسلامی از دو نوع ساده و لعاب‌دار و با لعاب‌های کرم و سبز و بیشتر با نقوش کنده یا اسگرافیاتو از شاخص‌ترین یافته‌های این گمانه بود. گمانهٔ الف ۲ در فاصلهٔ ۳۱ متری و در نزدیکی انتهای یکی از دهلیزهای غار حفاری شد. در این قسمت به دلیل ریزش سنگ‌ها مشاهدهٔ ادامهٔ غار و آثار آن نامشخص بود. در این گمانه، هفت قطعه سفال ساده، یک قطعه سنگ از جنس کوارتزیت و دو قطعه چوب به دست آمد. کارگاه ب در فوقانی‌ترین طبقهٔ غار حفاری شد که در پایان به آن پرداخته‌ایم (شکل ۱۴).

اتاق، قاب‌بندی، ورودی‌ها، طاقچه‌های تزئینی، دریچه‌ها و نورگیرها بسیار عالی هستند و کارهای انجام‌شده روی سقف و همچنین ساخت سکو قابل‌تأمل و بررسی است که در ادامه به آن اشاره می‌شود. پس از عبور از اتاق دوم به اتاق سوم می‌رسیم. نزدیک ورودی شمالی و در سمت شمال، چاه طبقهٔ C قرار دارد. در کف این اتاق حفرهٔ مدوری وجود دارد که بخش غربی آن زاویه‌دار شده است. پس از این اتاق، فضایی مشرف بر پرتگاه دیده می‌شود که به‌ظاهر اتاقی بوده که قسمت‌هایی از آن بر اثر زلزله فرو ریخته است.

گمانه‌زنی و سامان‌دهی سال ۱۳۷۶

در سال ۱۳۷۶ و برای نخستین بار، گروهی از پژوهشکدهٔ باستان‌شناسی و میراث فرهنگی استان کردستان کار گمانه‌زنی در غار را به عهده گرفتند. افزون بر سامان‌دهی، این هیئت به گمانه‌زنی در چهار کارگاه به نام‌های /الف، ب، ج و د پرداختند.

کارگاه الف

در کارگاه الف دو گمانه حفر شد. گمانهٔ الف ۱ به ابعاد ۲×۳ متر با جهت شمالی-جنوبی در راهروی اصلی غار



شکل ۱۴. گمانهٔ الف ۱

کارگاه ج

این کارگاه شامل دو گمانه در شیب و بیرون غار بود که از آن بقایای تخریب شده معماری و قطعات اندک استخوان به دست آمد.

کارگاه د

برای اطلاع از وضعیت یکی از فضاهای جانب شرقی غار کرفتو که مانند بقیه قسمت‌های غار دارای مال‌بند است، گمانه‌ای به ابعاد ۳×۲ انتخاب و با جهت شمالی-جنوبی ایجاد شد. این گمانه از نظر مواد فرهنگی با گمانه الف متفاوت بود.

آنچه به دست آمد نیز بیشتر شامل سفال‌های لعاب‌دار دوره اسلامی و به‌ویژه سفال‌های سلجوقی و ایلخانی بود. سفال شاخص، سفال لعاب‌دار زرد و سبز با نقش کنده است که در تخت سلیمان به‌وفور دیده می‌شود. استخوان، اشیای چوبی، شیشه و مهره‌های گوناگون از یافته‌های دیگر این گمانه است. شاید جالب‌ترین یافته در این گمانه قطعات کوچک چرم باشد. افزون بر اینها، یک قطعه جوش کوره سفالگری از این گمانه به دست آمد (شکل ۱۵).



شکل ۱۵. گمانه د

کارگاه ب

در اتاق سوم طبقه C یک قسمت چهارگوش از کف سنگی اتاق مزبور توسط انسان در گذشته کنده شده بود. هیچ‌یک از پژوهشگران پیشین به این نتیجه دست نیافتند که ممکن است این قسمت عمق زیادی داشته باشد. اشتاین^۴ و پس از او نومان^۵ این طبقه را بررسی و محل آن را نیز روی نقشه مشخص کرده بودند، اما تنها پس از حفاری کامل، کاربری این بخش مشخص شد. این گودال در ابتدا پر از زباله بود و تنها ۴۰ سانتی‌متر آن در آغاز حفاری عاری از خاک بود. تا عمق

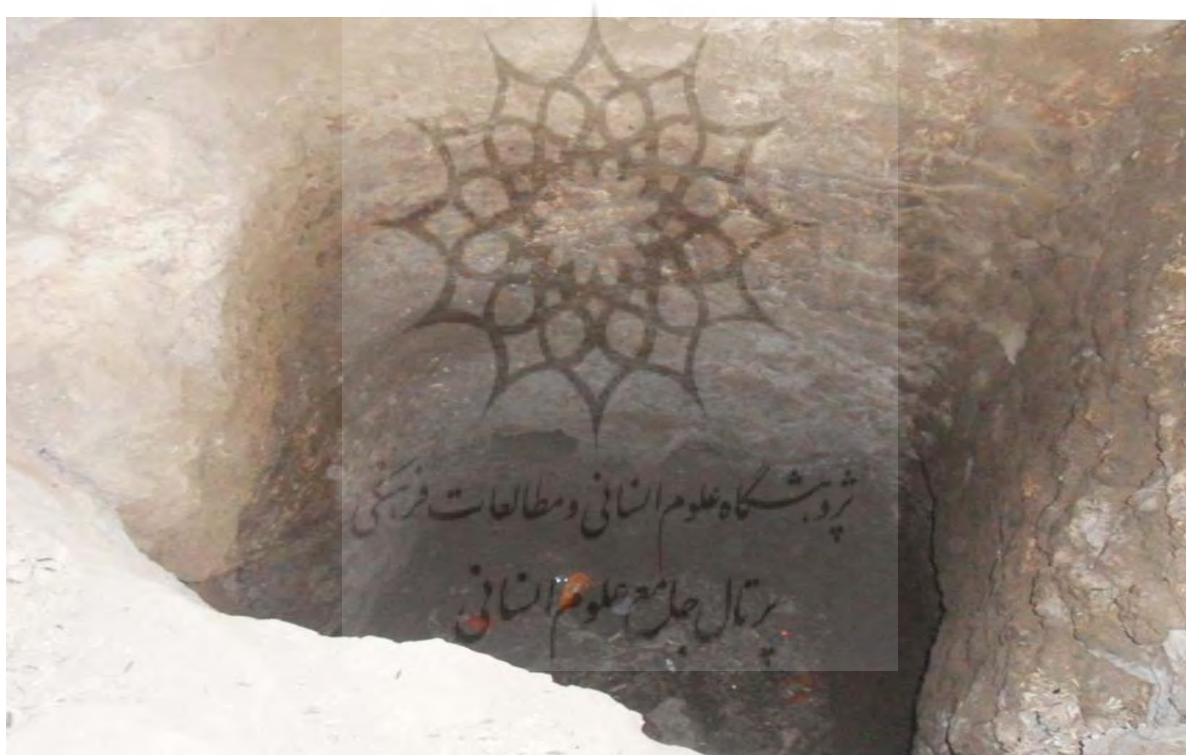
۱۴۰- سانتی‌متری خاک، این گمانه با زباله، مواد پلاستیکی، بطری شیشه‌ای و کاغذ پر شده بود. از عمق ۱۶۰- سانتی‌متری تغییر رنگ خاک همراه با رطوبت مشاهده شد. قطعات سفال‌های بدون لعاب به رنگ‌های نخودی و قرمز، همراه با استخوان حیوانات تا عمق ۱۹۵- سانتی‌متر مشاهده شد. به تدریج از رطوبت خاک کاسته شد و در عمق ۲۶۰- سانتی‌متری، لایه‌ای از آهک با قطر ۵ سانتی‌متر مشاهده شد که ناشی از رسوب‌گذاری آهکی آب ته‌نشین شده بود. از همین عمق، گمانه به دو بخش تقسیم شد و خاک‌برداری نیز از بخش

⁵ Rudolf Nauman

⁴ Aurel Stein

قطعات سفال به دست آمده به رنگ‌های سبز روشن، سبز سیر، سفید، کرم و شیری رنگ با نقوش کنده، شامل دواير پیچیده خطوط موازی و متقاطع و زیگزاگ بودند. از عمق ۳۹۰- سانتی‌متری از فضا کاسته شد و حفاری تا عمق ۴۲۰- سانتی‌متری ادامه داشت تا اینکه انتهای چاه و کف سنگی مشاهده شد. از مجموع ۴۶۴ قطعه سفال، ۶۱ قطعه سفال لعاب‌دار به دست آمد. از وصال آنها نیز تعدادی ظروف کسردار به وجود آمد که به نظر می‌رسد ظروف مایعات و آب‌خور بودند. یکی از آنها کاسه‌ای به قطر کف ۱۰ سانتی‌متر و قطر دهانه ۳۰ سانتی‌متر و ارتفاع ۱۵ سانتی‌متر بود. دو قطعه شیشه نیز از این گمانه به دست آمد (حمزه‌لو و میراسکندری، ۱۳۸۱) (شکل ۱۰، ۱۶).

جنوبی ادامه یافت. پس از لایه آهکی رطوبت خاک دوباره افزایش یافت و برداشت آن با قطعات شکسته سفال‌های بدون لعاب با خمیره قرمز، نخودی و خاکستری و نقش کنده مربوط به کف و دسته ظروف سفالی بزرگ همراه بود. استخوان حیوانات تا عمق ۳۳۰- ادامه داشت. در این عمق و در بخش جنوبی، یک پیه‌سوز سفالی با خمیره نخودی که قسمتی از لبه آن شکسته بود و آثاری از سیاه‌شدگی داشت، به ارتفاع ۷ و طول ۱۶ سانتی‌متر به دست آمد. در عمق ۳۳۵- سانتی‌متری در بخش جنوبی سه طاقچه موازی با طولی حدود ۴۰ تا ۴۷، عرضی حدود ۳۵ تا ۴۸ سانتی‌متر و عمق ۲۲ تا ۲۵ سانتی‌متر کشف شد. خاک‌برداری در قسمت شمالی نیز ادامه یافت و بدین ترتیب در عمق ۳۲۵- مشابه با بخش جنوبی سه طاقچه دیگر به دست آمد که ارتفاع آنها به ۷۰ سانتی‌متر می‌رسید.



شکل ۱۶. چاه طبقه چهارم C (گمانه ب) پس از پایان سامان‌دهی و محل طاقچه‌ها

انسان در طول زمان همچنین زلزله و فرسایش طبیعی (شکل ۱۷) انتساب عناصر معماری این مکان به دوره‌ای خاص همواره با برخی معضلات مربوط است. کشف کتیبه یونانی در غار کرفتو توجه پژوهشگران دوران سلوکی را به این غار معطوف کرده است؛ زیرا مدارک مربوط به حضور یونانی‌ها در ایران بسیار اندک است. معبد لائودیسه نهانند، یعنی محوطه‌ای که کتیبه معروف از آن به

کاربری فضاهای طبقه c (طبقه چهارم)

پژوهشگرانی که طی سال‌های متمادی این غار را بررسی کرده‌اند، به دلیل وجود کتیبه یونانی آن را به سده‌های سوم و چهارم پیش از میلاد نسبت داده‌اند. با توجه به تزئینات و کنده‌کاری‌های سقف، شاید بتوان تاریخ اولین استفاده از این طبقه را سده‌های پنجم و ششم پیش از میلاد دانست. به دلیل تصرفات

با اینکه کتیبه را فردی یونانی حک کرده است، می‌توان گمان کرد که به یک هراکلس ایرانی یا معادل آن ایزد بهرام مربوط باشد. اشتاین اتاق‌های مجموعه را آپارتمان می‌داند و گال نیز دربارهٔ نبود انبارها و سیلوها به‌ویژه در طبقات فوقانی سخن می‌گوید. گمانهٔ ب که در اتاق سوم طبقهٔ C حفر شده است و تا بیش از چهار متر پایین می‌رود، نظریهٔ جدیدی را دربارهٔ کاربرد این طبقه مطرح می‌کند. وجود پیه‌سوز و انبوه قطعات کاسه و آبخور که بیشتر متعلق به دورهٔ سلجوقی و ایلخانی است و همچنین وجود شش طاقچه در عمق کاربرد آن را برای قرارگرفتن یک فرد در داخل آن و البته نه به‌صورت درازکش مسجل می‌کند. بر این اساس نگارندگان آن را چاه اعتکاف بیان کرده‌اند. اگرچه استفاده از این چاه در قرن ششم و هفتم هجری تأیید شده است، تاریخ آغاز و نحوهٔ استفاده از چاه در دوران پیشین در حاله‌ای از ابهام قرار دارد. همین‌طور استفاده از چاه برای آب‌انبار براساس این کشفیات مورد تردید است. قطعات سفال یافت‌شده را می‌توان برای ذخیرهٔ آب و آذوقه برای کوتاه‌مدت مناسب دانست (شکل ۱۸ و ۱۹).

دست آمد، تنها پس از حفاریات روشمند باستان‌شناسی به‌خوبی شناخته شده است. هیئت آلمانی جزئیات دقیق‌تری در مقایسه با اشتاین داشته‌اند و نقشه‌های دقیق‌تر و عکس‌های کامل‌تری تهیه کردند.

فن گال دیدگاه اشتاین را که کرفتو مکانی مذهبی است، می‌پذیرد. همچنین براساس نوشتار تاسیت، مورخ رومی گودرز شاه پارتی در سال ۵۰ میلادی با مهرداد دوم درگیر می‌شود. او معبدی در کوه سمبولوس برای تضمین پیروزی می‌سازد و محل آن را کرفتو می‌پندارد. برنار آن را مکانی مسکونی می‌داند و به متن کتیبهٔ کرفتو که بر سردر خانه‌های یونانی و نه مکان‌های عمومی و برای خیر و سلامت و برکت نصب می‌شد، استناد می‌کند (Weissbach, 1928; Tacitus, 1937; Strabo, 1928;) در متن کتیبهٔ کرفتو به‌طور ساده آمده است که «در اینجا هراکلس سکونت دارد، از هر گزند و پلیدی ایمن باد».





شکل ۱۷. وضعیت کنونی بقایای پله‌های فروریخته بدنه بیرونی غار منتهی به طبقه C

پروژه کاوش‌های باستان‌شناختی
پروژه کاوش‌های باستان‌شناختی



شکل ۱۷. قطعات سفال‌های وصلی شده - دوره ساسانی



شکل ۱۶. سفال‌های پخت شده از گمانه ب



شکل ۱۵. ظرف سفالی فرست شده - دوره ساسانی



شکل ۱۹. ظرف سفالی وصلی شده - دوره ساسانی

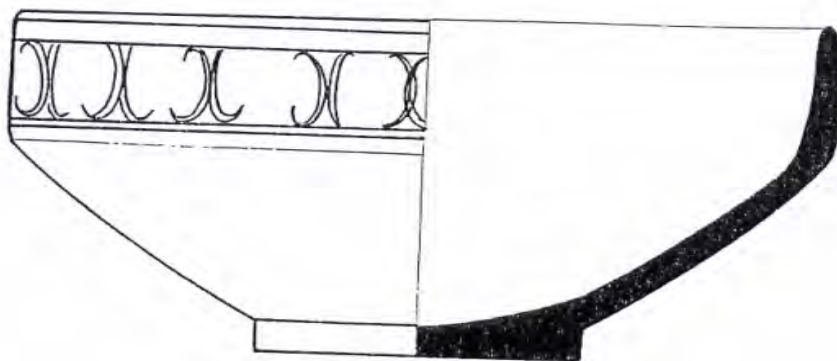


شکل ۱۸. قطعات سفالی وصلی شده از گمانه ب



شکل ۱۶. ظرف سفالی فرست شده - دوره ساسانی

شکل ۱۸. قطعات سفالی وصلی شده و به‌دست‌آمده از گمانه ب



شکل ۱۹. طرح ظرف به‌دست‌آمده ایلخانی از گمانه ب با لعاب سبز و خطوط مشکی

بحث و نتیجه‌گیری

یکجانشینی این جوامع را قلعه‌ها (طبیعی و مصنوعی) و معابد تشکیل می‌دادند و کرفتو را نمی‌توان جدا از این دو عنصر ارزیابی کرد. مذهب چنان در داخل این جوامع ریشه دوانده بود که برخلاف نظریهٔ برنار نمی‌توان تصور کرد که اگر در دوره‌هایی فرمانروایی در طبقهٔ C سکونت داشته، بی‌نیاز از نیایشگاه بوده باشد.

آیین مهری در شمال غرب و همسایهٔ آن آناتولی بسیار قدیمی و ریشه‌دار بوده است. در ناحیهٔ بغازکوی لوحه‌هایی از گل پخته یافت شده است که پیمان‌نامهٔ میان هیتیت‌ها و میتانی‌هاست و نام میترا در آن دیده می‌شود. پادشاهان پارتی خود را به افتخار میترا مهرداد می‌نامیدند. آثار مهرپرستی حتی تا انگلستان گسترده شده است. از تدفین پیروان مهرپرستی در اروپا کاتاکمب و همچنین نقش گردونهٔ خورشید بر گورخمره‌های پارتی در گرمی مغان مشاهده می‌شود. بی‌شک وجود چاه در طبقهٔ چهارم کرفتو در دوران مختلف کاربردهای گوناگون داشته است. در دوران سلوکی و پارتی و شاید پیش‌تر از آن ممکن بود چاه آزمون یا چاه بقایای نذورات باشد. در دوران ساسانی ممکن بود از آن به عنوان چاه تدفین استفاده کرده باشند. در دوران اسلامی نیز به‌عنوان چاه اعتکاف استفاده شده است. اشتودان از چاله‌هایی در کف بالکن برای جمع‌آوری آب سخن گفته است. سپس عمق چاه را دو متر تخمین می‌زند و آن را آب‌انبار می‌نامد. به نظر می‌رسد پس از زلزله و ایجاد ترک و فروریختن قسمت‌های نورگیر، آب و رطوبت به چاه راه یافته باشند؛ زیرا وجود لایهٔ ۵ سانتی‌متری از رسوبات آهکی سخت‌شده در میانهٔ چاه این موضوع را اثبات می‌کند.

سپاسگزاری

از پژوهشکده باستان‌شناسی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری و مدیریت کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کردستان به جهت پشتیبانی و حمایت مالی از این پروژه سپاسگزاریم.

منابع مالی

منابع مالی این مطالعه توسط نویسندگان تهیه شده است.

تعارض منافع

تاکنون پژوهش مستقلی دربارهٔ مفهوم و ریشهٔ نام کرفتو صورت نگرفته است، اما صرف‌نظر از اینکه کرفتو به معنای نیایشگاه خورشید است یا خیر، این محوطه واجد همهٔ ویژگی‌هایی است که یک معبد مهری دارد: فضای غار، دهلیزها و راه‌های زیرزمینی که در برخی نقاط صعب‌العبور هستند، چند شاخه می‌شوند که این امر هویت اسرارآمیزی به این مکان می‌بخشد. آب‌های زیرزمینی که شاخه‌ای از آن در جبههٔ شرقی غار ظاهر می‌شود و قابل‌شرب است و قسمتی در کنالی در داخل غار هدایت می‌شوند، سقف‌های گنبدی‌شکل و فضاهایی که بتوان در آنها آیین‌هایی را به رازوران آموزش داد و مرحله به مرحله از آن عبور کرد، یا از دسترسی بدون اجازهٔ آنها جلوگیری کرد. مناطق بسیار تاریک که نور در آنها نفوذ نمی‌کند، نذورات که بقایای آن را در همه‌جا می‌توان پراکنده کرد. اتاق‌هایی در اطراف نیایشگاه اصلی و نیمکت‌های سنگی برای انتظار و یا دراز کشیدن و چاه برای آزمون یا ریختن بقایای حیوانات قربانی شده.

هرگونه نتیجه‌گیری دربارهٔ غار کرفتو بدون در نظر گرفتن بستر تاریخی و مکانی مردمانی که سال‌های دور در منطقه زندگی می‌کرده‌اند، مانند مردمان زیویه یا محوطهٔ تخت سلیمان در دوران پسین می‌تواند خیال‌پردازی صرف یا گمراه‌کننده باشد. با توجه به وضعیت زمین‌ریخت‌شناسی منطقه از عصر آهن تا عصر حاضر، ساکنان منطقه از جوامع کوچ‌رویی بودند که تحت ریاست خان‌سالارها و به‌صورت ایلی و قبیله‌ای اداره می‌شدند و اقتصادی ترکیبی داشتند. در هزارهٔ اول، پرورش اسب و تولید آهن و مجاورت با امپراتوری‌ها، شاه‌نشین‌ها یا شاهک‌نشین‌ها، مسافت‌ها را کوتاه و استقرارها را به‌دلیل اصول و قواعد تدافعی به بالای ۱۴۰۰ متر از سطح دریا انتقال داده است. همان‌طور که گفته شد، پرورش و نگهداری اسب اساس اقتصاد، جنگ و بقای جوامع را تشکیل می‌داده است و بی‌جهت نیست که کنده‌کاری‌های اسب و سوارکار در برخی نقاط کرفتو دیده می‌شود؛ به همین دلیل انتهای سمت چپ راهروی ورودی در طبقهٔ اول به‌صورت اسطبل تغییر شکل داده شده است. همچنین در گوشه و کنار این طبقه در داخل غار مال‌بندها دیده می‌شوند؛ بنابراین اسب و احشام در زندگی روزمرهٔ کرفتو نقشی اساسی داشتند. از هزارهٔ اول یعنی عصر آهن III دو عنصر اصلی معماری و

بین نویسندگان هیچ‌گونه تعارضی در منافع وجود ندارد.

References

- Bernard, P. (1980). *Héraclès, les grottes de Karafto et le sanctuaire du mont Sambulos en Iran*. pp. 301-324.
- Busolt, G. (1892). *Die griechischen Staats- und rechtssaltertümer* (Vol. 4). CH Beck (O. Beck).
- Cumont, F. V. M. (1899). *Textes et monuments figurés relatifs aux mystères de Mithra* (Vol. 1). Lamertin.
- Franz, C. I. G. (1853). 3: Johann Franz, *Corpus Inscriptionum Graecarum*, vol. 3.
- Gall, H. V. (1978). Die Kulträume in den Felsen von Karaftu bei Takab (West-Azerbaidjan). (Les chambres culturelles rupestres de K. près de Takab, Azerbaidjan occidental). *Archäologische Mitteilungen aus Iran Berlin, 11*, 91-112.
- Gall, H. V. (1990). *Das Reiterkampfbild in der iranischen und iranisch beeinflussten Kunst parthischer und sasanidischer Zeit*. Gebr. Mann.
- Kawami, T. S. (1987). *Monumental art of the Parthian Period in Iran*. Brill.
- Porter, R. K. K. (1821). *Travels in Georgia, Persia, Armenia, Ancient Babylonia, etc. during the years 1817, 1818, 1819 and 1820* (Vol. 1). Longman, Hurst, Rees, Orme and Brown.
- Rawlinson, H. C. (1840). Memoir on the site of the Atropatenian Ecbatana. *The Journal of the Royal Geographical Society of London, 10*, 65-158.
- Rawlinson, H. C. (1840). Notes on a Journey from Tabriz, Through Persian Kurdistan, to the Ruins of Takhti-Soleimán, and from Thence by Zenján and Tárom, to Gilán, in October and November, 1838; With a Memoir on the Site of the Atropatenian Ecbatana. *Journal of the Royal Geographical Society of London, 1*-64.
- میراسکندری، سید محمود. گزارش نهایی گمانه‌زنی و ساماندهی غار کرفتو شهرستان سقز (استان کردستان).
- ورمازرن، مارتن (۱۳۴۵). *آیین میترا*. ترجمه بزرگ نادرزاد. تهران: کتابفروشی دهخدا.
- هژبری، علی (۱۳۹۷). *بررسی بخشی از معماری دست‌کند غار کرفتو*. مفاخر میراث فرهنگی ایران ۴ صراف خزان جشن‌نامه دکتر محمد رحیم صراف به کوشش شاهین آریامنش، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، ص ۳۳۱-۳۵۴.
- Rawlinson, M. (1839). Notes on a March from Zohab, at the Foot of Zagros, along the Mountains to Khuzistan (Susiana), and from Thence Through the Province of Luristan to Kirmanshah, in the Year 1836. *Journal of the Royal Geographical Society of London, 26*-116.
- Stein, A. M. (1940). Old Routes in Western Iran, London. *Stein Old Routes in Western Iran 1940*.
- Strabo. (1928) *Geography, Volume V: Books 10-12*. Translated by Horace Leonard Jones. Loeb Classical Library 211. Cambridge, MA: Harvard University Press,
- Tacitus, C. (1937). *Tacitus: Annals 13-16 (Loeb Classical Library No. 322) by Tacitus (1937)*. Harvard University Press.
- Tarn W. W., The Greeks in Bactria and India, 2nd ed., Cambridge, 1951; please note: 1st ed., Cambridge, 1938, and rev. and enlarged 3rd ed., Chicago, 1985.
- Tubach, J. (1995). Herakles vom Berge Sanbulos. *Ancient Society, 26*, 241-271.
- Von Gall H. (2010). *Iranica Encyclopedia, Vol. XV, Fasc. 5*, pp. 533-536
- Von Gall H. 1978 , “Die Kulträume in den Felsen von Karaftu bei Takab (West-Azarbaidjan),” *AMI, NF 11*, pp. 91-112.
- Weinreich, O. (1915). De Diogenis quae fertur epistula XXXVI et de epigrammatis Graeci historia. *Archiv für Religionswissenschaft, 18*, 8-18.
- Weissbach F. H. (1920). “Sanbulos,” *Pauly – Wissowa, I A 2*, Berlin, p. 2232.
- اشتودان رسول (۱۳۷۳). *بررسی اجمالی غار کرفتو*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد گروه باستان‌شناسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران. منتشر نشده.
- چایچی امیرخیز، احمد (۱۳۸۴). *گورخمره‌های ایران*. تهران: سمیرا.
- حمزه‌لو منوچهر و میراسکندری، سید محمود (۱۳۸۱). *قلعه و غار کرفتو*. مجله اتر، (۳۳ و ۳۴)، ۲۷۸-۳۰۴.
- مرکز اسناد و کتابخانه پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده)